



خمینی؛ پدیده انسانی پیچیده

سخن سردبیر

نوشتن از او، اگر نگوییم که جانکاه است باید بگویم که مطلقاً سهل نیست. آن طوفان و رعد و برقی که چشم هایش در دل ملتی بر پا می‌کند و همزمان، آرامش و قراری که دل‌ها را تسلا می‌دهد، حیرت‌آور است. درک روحیه‌ای که تاب شنیدن صدای زاری کودکی را ندارد و همزمان استوار و راسخ به جهانی پیغام می‌دهد که: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، آدم را میخکوب می‌کند.

همان روحیه‌ای که رضای الله را بر رضای مردم ارجح دانست و بیان کرد: «من با خدای خود پیمان بسته‌ام که رضای او را بر رضای مردم و دوستان مقدم دارم؛ اگر تمام جهان علیه من قیام کنند دست از حق و حقیقت برنمی‌دارم». پیشتر خودش به همه اینها پاسخ داده بود. آن روح و آن دل از سرچشمه قدرت الهی سیراب شده بود و با این حساب بیهوده می‌نمود هر محافظه‌کاری که به کم‌کاری منجر شود.

خمینی، همان که باید از او به خدا رسید. او تجلی حاکمیت اراده خدا بر عالم است. او میزان است. او نشان داد که اگر انقلابی مقدر شده باشد، اگر وقت سیلی گروهی فرا رسیده باشد، اگر ملتی تغییر احوالشان را اراده کرده باشند، خداوند از روح خودش در صاحب نفسی خواهد دمید و زمام امور آن امت را به دستش خواهد سپرد و صغیر سر خواهد داد که: فاعتبروا یا اولی الابصار

خمینی، برخاست تا نسخه‌ای از حکومت ناب محمدی را به جهان ارائه کند. که طعم استقلال را به مردم بچشاند و به آنان بفهماند که خارج شدن از زیر یوغ استعمار و زندگی در سایه آزادی چگونه است.

تا مردم، خود، ظهور یا غیبت منجی‌شان را انتخاب کنند.

خمینی، یک دیندار آزاده بود.

روح خدا به خدا پیوست



در بیمارستان دکتر ها میگویند امام همین حالا هم با دستگاه تنفس مصنوعی نفس میکشد. شبانگاه قلب امام ایستاد. دکترها با ماساژ قلبی و شوک الکتریکی قلب را زنده نگه میدارند. اما این وضعیت دیگر پایدار نیست. ساعت ده و بیست دقیقه ی شب لحظه ای که به مرکز نگرانی های رییس جمهور تبدیل میشود از راه میرسند.

آینده ی بدون امام!

امام خامنه ای در رابطه با آن شب فرمودند:

سه و چهار بعد از ظهر تا ده و بیست دقیقه؛ این چندساعت خیلی بر ما سخت گذشت. خیلی! آقای حاج احمد آقا فرزند عزیز حضرت امام، گفتند پیش از ظهر امام روی تخت شروع کردند به نماز خواندن.

ایشون گفتند نمیدانم نافله میخواندند یا نه.

مدتی نماز خواندند پرسیدند ظهر شده؟! گفتیم بله نماز ظهر و عصرشان را خواندن بعد شروع کردند به ذکر

ایشان گفتند تا آن لحظه ای که امام به کما رفتند مرتب پشت سر هم میگفتند سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر تا آخرین لحظه ایشان ذکر خدا رو میگفتند. این درس است برای ما. ما که رهبران را دوست داریم یعنی این. یعنی این کارها و روحیات او را ادامه بدهیم.

• به ما میگن بچه بسیجی!

اصلا واسه چی؟ یعنی چی؟

یه زمانی یکی شد «محمد (ص)». اومد بین یک مشت آدم نیمه وحشی و از اخلاق گفت. از محبت، از انسانیت. اصلاً با مذهب و نماز و قرآن کاری ندارم ها.

یه درخت کاشت، یک انقلاب که از درون آدمها به وجود اومد! گذشت و گذشت کلی اتفاق افتاد که خیلی شنیدیم تا این که حکومت رسید به یزید.

یه موجود غلاف و بی مصرف، که مرگ میمون خلیفه رو عزای عمومی اعلام می کرد و مردم رو بازیچه دست خودش می دونست. بیعت اجباری، زورگویی، آدمکشی مثل نقل و نبات... وقتی می گیم منتقم خون حسین، یعنی چی؟

فکر می کردم چون اماممون هستن و پاک و مطهر و والا مرتبه و از این حرفا.

ولی هیچ وقت در مورد انتقام قانع نمی شدم.

اصلاً مکه مختار انتقام نگرفت؟ اصلاً مکه شمر هنوز هم زنده ست؟ این کسی که می خواد بیاد، از کی می خواد انتقام بگیره؟ واسه چی می خواد بیاد که این همه آدم دارن روز و شب می جنگن که نیاد؟ کلی آدم هم ظاهراً بیکارن که هر جمعه میرن واسش ندبه می خونن و گریه و زاری که زودتر بیاد! خب حتما اونا گریه میکنن که از بدبختی های خودشون راحت بشن. که منتقم بیاد و فقر از بین بره، پولدار بشیم، بیاد این کارو بکنه، اون کارو بکنه.

اما خب، این انتقامه این وسط چی میکه؟

از بین این همه آدم، همه یا جلوی یزید سر خم می کردن و باهاش موافق بودن یا سکوت می کردن و سکوت می کردن که منافعشون به خطر نیفته و اصلاً هم پراشون مهم نبود که بابا یه عده آدم دارن زیر دست و پای یزید له میشن.

تو این وضعیت یکی اومد حرف حق زد. دید آقا اینا همه

یا خوابن یا خودشونو زدن به خواب. اومد حقو زنده کنه،

ادامه...



واسه همین هم جلو یزید و اون همه آدم دیگه وایستاد که شاید مردم یه چیزایی یادشون بیاد، از محمد. یادشون بیاد یه انسانی وجود داره و دوره خیلی چیزا گذشته. آقا پای باوراش ایستاد، پای حق ایستاد، اونقدر محکم ایستاد که مال و فرزند و بچه و جوونش و همه چیزشو خرج کرد. که حقیقت زنده بمونه!

اینا رو ما نمی فهمیم. اون سیاه پوستی می فهمه که چشماشو باز کرده دیده برده ست، اون دختر سوری فهمید که نصف شب ریختن تو خونشون و برادرشو جلوی چشماش سر بریدن و خودشم تا عمر داشت شد اسباب بازی یه مشت وحشی.

توی همین مملکت خودمون یه عده بودن که توی بهیوهه جنگ جهانی نون رو از دهان مردم خودمون می گرفتن و شکم سربازای اجنبی رو سیر می کردن، که به بهانه های مختلف تیکه تیکه مملکتمون رو به قول خودشون عروس کردن، که حاضر نبودن ثروت مملکت رو خرج ساختن مدرسه و دانشگاه بکنن اما به جاش تا دلتون بخواد برای زیبا موندن ملکه فرح پولپاشی می کردن. طوری که مجله های اونور آبی از ولخرجی هاشون می نوشتن.

یکی یاد حق افتاد. از بین این همه آدم یه نفر شد روح الله. اون موقع با زمان یزید چه فرقی داشت؟ دلا لرزید. یه درخت کاشت که با خون کلی جوون و نوجوون رشد کرد، که حق رو زنده کنه. یه امانت به ما داد، مثل اون وقتی که پیامبر حقیقت رو به ما امانت داد.

حالا تو بگو ما چیکار کردیم؟ چیکار داریم می کنیم؟ بسیجی مسیرش مقصد شه. بسیج می که آقا هرجا انسانیت، هر جا حقیقت کمرنگ بود من آماده جهادم. از جونم مایه می زارم.

مگه نبود نفر اول رتبه کنکور پزشکی که با پای خودش رفت به سمت شهادت، به سمت حق؟ البته به ما درب و داغونا نگاه نکنید، ما فقط عاشقیم. فقط دلمون نمیداد حق روی زمین بمونه. اینم بگم که بسیج فقط این نیست که چادر سر کنی، چفیه بندازی بگی خانم حجابت، نمازت...

خیلی ها که اسمشون تو بسیج نیست خیلی بسیجی تر از کسایی ان که کارت بسیج دارن.

بسیج یعنی حقیقت فقط مال تو نیست. این خون جوشان حسین علیه السلام که می کن یعنی چی؟

یعنی تا وقتی حتی به یک نفر تو دنیا ظلم بشه، حق خون حسین علیه السلام ادا نشده. بسیجی یعنی سرباز یعنی آنقدر بجنگید تا فتح کنید، تا حق دنیا رو بگیره. تا حق خون حسین ادا بشه. و این، تا مهدی فاطمه نیاد نمیشه، تا ما نخوایم نمیداد. بسیجی یعنی چی کار کنیم که آقا بیاد.

همینجا می گم هیچ ادعایی نداریم هرچی هست فقط محبت. ما همه مون دانشجوهای همین مملکتیم و هدفمون جنگیدن با هم و اذیت کردن دوستان و هم دانشگاهی هایی که واقعا دوششون داریم نیست. بیاید، پیشنهاد بدید، نقد کنید و حتی در صورت نیاز محترمانه له کنید. اما حقیقت و محبتی که تو وجود همه تون هست رو از خودتون و ما دریغ نکنید.

یا علی

یک وصیت به ملت شریف ایران



و یک وصیت به ملت شریف ایران و سایر ملت های مبتلا به حکومت های فاسد و دریند قدرتهای بزرگ می کنم؛ اما به ملت عزیز ایران توصیه می کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به دست آوردید همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمایید و در راه آن، که نعمتی عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می آید نهراسید که **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُبْطِلْ أَقْدَامَكُمْ**. و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی با جان و دل شریک و در رفع آنها کوشا باشید، و دولت و مجلس را از خود بدانید، و چون محبوبی گرامی از آن نگهداری کنید.





توصیه رهبر انقلاب به مردم و جوانان
برای ادامه راه امام خمینی با تقویت دو عامل پیشران تحول

امام ایمان و امید

حضور و سخنرانی رهبر انقلاب در مراسم سی و چهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه الله)

Mohamad Ali
@mohamadimali

مملکت به یادگار امام نیاز داره!
به امام علی، صدر، همت، انقلاب و آزادی
نیاز داره ... #مرگ_بر_اشرافیت

03:12 · 6/4/23 from Earth

Hosein
@Hosein_sistani

برحسب تجربه ۷ سال تدریس باید اعتراف کرد که
قریب به اتفاق #دانش_آموزان_ایرانی
تقریباً هیچ ادراکی از حضرت روح الله ندارند!

اگر به جای مهملائی که در کتب درسی نگاشتند، تنها
پروژه تاریخ شفاهی هاروارد را با یک ضبط صوت در
کلاسها پخش می کردند، اما با این نسل منقطع از
تاریخ مواجه نبودیم!

۲۲ ژوئن ۲۰۲۰

علیرضا زادبر
@alireza_zadbar

باید اصول اندیشه و سیره عملی امام را
شناخت و مدافع آن بود. امام ابر شخصیت
جذاب توده ها و نخبگان است و بدون شک
وظیفه من شهروند عادی با دولت و مجلس
متفاوت است. ما در تحلیل و کلام از آرمان
امام دفاع میکنیم اما دولتمردان باید با رفع
فقر و فساد و عمل منادی امام باشند.

نمایش #عمل

Translate Tweet

امروز با وجود همه ی این دستگاه های تبلیغاتی شما نگاه کنید ببینید **جوان ایرانی** چه عظمتی از خود نشان می دهد. نقطه ی **امیدآفرین** این است.

مجاهدان فداکار، مدافعان حرم، فعالان سخت کوش جهاد تبیین، گروه های کمک مؤمنانه، اردوهای جهادی اینها همه **جوانهای** این کشورند. با وجود اینترنت، با وجود شبکه های اجتماعی، با وجود این همه لغزشگاه ها **جوانهای** ما در این راه دارند حرکت می کنند.

رهبر انقلاب اسلامی ۱۴۰۲/۰۳/۱۴

عبور از خان هفتم، برای بار دوم

قبولی بیش از ۱۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مشهد در رشته های مختلف
کارشناسی ارشد



از خویشتن خویش گذر باید کرد.

گفت‌وگو با خانم بتول یعقوبی، متولد ۱۳۵۴، از دانش‌آموزان سال ۱۳۶۸

در آن سالها، «سال‌های نوجوانی بنده» نوشته‌ها و نامه‌های حضرت امام منتشر میشد و من هم خیلی علاقه‌مند به این نامه‌ها بودم. آنها را می‌خواندم و حتی دوبیتی‌های بعضی از این نامه‌ها را از آن زمان حفظ کرده‌ام و آخرین بار همین شنبه ۱۳ خرداد بود که شاگردانم دفتر دادند برایشان یادگاری آخر سال بنویسم. آن را برایشان هم خواندم و هم نوشتم. آخر یادگاری شعر را که نوشتم با صدای بلند خواندم. خوششان آمد بعد گفتم این را امام برای عروستان نوشته بودند.

فاطمی! به سوی دوست، سفر باید کرد
از خویشتن خویش، گذر باید کرد

هر معرفتی که بوی هستی تو داد
دیوی است به‌ره، از آن حذر باید کرد



دایی جانم از موقع شنیدن خبر بیماری امام خمینی رحمه الله علیه خیلی ناراحت تر از بقیه بودند. همون شب یا چندشب قبل از رحلت امام خمینی اصلاً دل و دماغ سریال و را هم نداشتند. ما نوجوان بودیم و مشغول دیدن سریال. این جمله هنوز یادم هست که: امام حالشان خوب نیست. حتی توقع نداشتند سریال ببینیم.

فکر کنم مردم آن شب‌ها مشغول دعا‌های دسته‌جمعی بودند. موقع شنیدن خبر رحلت امام خیلی ناراحت شدم. معلمی داشتیم به نام خانم مهدیه علایی جنت‌مکات که همسرشان اسیر بودند و خودشان هم مدتها در جبهه یا پشت جبهه مشغول خدمت. شنیدم که در مدرسه با صدای بلند گریه می‌کردند. یکی از کسانی که غم‌واندوه بیشتری از بقیه بر دوششان سنگینی می‌کرد همین معلم دوست داشتنی بنده در نوجوانی بودند.

مرتب اخبار تصاویر را از تلویزیون می‌دیدم و در برنامه‌های رحلت امام شرکت می‌کردم.

برای مراسم اولین سالگرد ارتحال امام خمینی هم با راهنمایی مادر خانم شهید چراغچی که از حاج خانم‌های مسجدی محل بودند و با هم دست‌خواهری داده بودیم، با خواهران دیگه از مکتب اسلام شناسی رفتیم تهران، مرقد مطهر امام.

آنجا معلم زیست شناسی مون رو دیدم که خیلی از دیدنشان خوشحال شدم. معمولاً هر بار تهران می‌رویم یا از مسیر تهران می‌گذریم سعی می‌کنیم زیارت مرقد مطهر امام خمینی هم برویم.

البته بعد از نوجوانی در دوران دانشگاه هم اردوی به یاد ماندنی شرکت در مراسم رحلت امام همراه دوستان دانشگاه شیراز تجربه خوبی بود.

روح الهی

امام دو رکن و ثقلین ارزشمند را برای ما به یادگار گذاشت یکی نظام جمهوری اسلامی و دیگری ولایت فقیه، این ها لازم و ملزوم هم اند، مثل خیمه و تیرک وسط خیمه است، خیمه بدون تیرک پا برجا نمی ماند.

تاسکین



تجدید بیعت امت با راه امام

در اذهان عمومی آقای منتظری به عنوان جانشین امام مطرح میشد اما آرام آرام اختلافات آقای منتظری با امام و انقلاب آشکار شد.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی آیت الله منتظری رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی شد و نقشی کلیدی در تدوین قانون اساسی نظام نوپا و به خصوص در اصل مربوط به رهبری و ولایت فقیه ایفا کرد. وی نظریه ولایت فقیه را در قانون اساسی گنجاند و سپس با تدریس این نظریه در درس خارج خود و انتشار چهار جلد در باره ولایت فقیه، مهم ترین نظریه پرداز حکومت اسلامی پس از امام خمینی شناخته شد.

در سال ۱۳۶۴، مجلس خبرگان رهبری، با آن که امام خمینی (ره) همچنان در ادامه...

جعل و نشر اوراقی به نام طلاب و فضلاء افغانی علیه وزارت خارجه.

جعل سند ساواکی بودن دکتر هادی و علیه بعضی روحانیون اصفهان.

دستور قتل عباسقلی حشمت و دو فرزندش.

اتحلال سازمان نصر و درگیری و آدمکشی در آن.

جعل اسناد دولتی.

نگهداری اسناد طبقه بندی شده.

چاپ و نشر اعلامیه هایی با عنوان های روحانیت بیدار علیه مسئولین نظام.

با وجود همه این اتهامات که سید مهدی هاشمی به آن ها معترف بود آیت الله منتظری تا آخرین لحظه از وی دفاع کرد و زمانی که وی در دادگاه عدل اسلامی به اعدام محکوم شد به صورتی عیان در مقابل نظام اسلامی ایستادگی کرد.

مهدی هاشمی از صفحه اول تا دهم پرونده خود کارهایی که انجام داده است را شرح می دهد. که سرفصل های آن از این قرار است:

اقرار به ساواکی بودن.

لودادن افرادی که به آنها دستور داده بود که مرحوم شمس آبادی را ترور کنند.

دعا به خانواده سلطنتی.

دستور قتل جهان سلطان و مهدیزاده.

دستور قتل مرحوم شمس آبادی.

دستور قتل صفرزاده.

دستور قتل مهندس بحرینیان.

دامن زدن به اختلاف سپاه و کمیته.

دستور اختفاء مقادیر قابل توجهی اسلحه و مهمات و مواد منفجره.

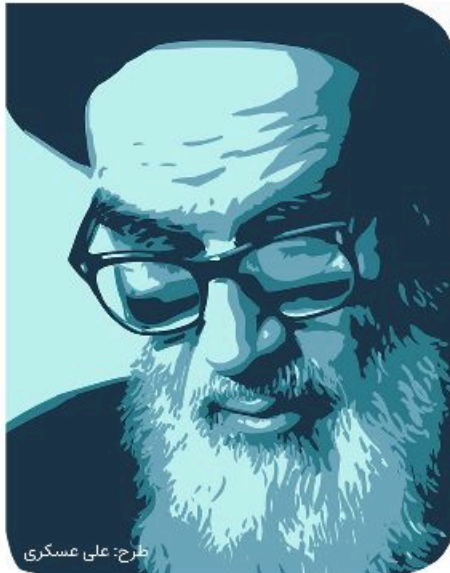
تحریک سپاه لنجان و سپاههای خمینی شهر، درچه و مبارکه به وحدت و ایستادن در مقابل سپاه اصفهان.

قید حیات بودند ، آیت الله منتظری را به عنوان قائم مقام رهبری برگزید بی آن که کسی از این سخن بگوید که سمتی با عنوان « قائم مقام رهبری » چه جایگاهی در قانون اساسی دارد و از کدامین منظر چنین سمتی خلق و ابداع شده است ؛ در هر صورت محبوبیت آیت الله منتظری در آن برهه که ناشی از رفتارهای انقلابی و نزدیک وی به حضرت امام بود چنین اجازه ای را به جامعه انقلابی درگیر جنگ با دشمن خارجی نمی داد و از این روی همگان به استقبال این انتخاب رفتند ولی در پشت پرده خبری دیگر بود و آن چنان که از خاطرات شخصیت های مطرح مشخص می شود حضرت روح الله با این انتخاب موافق نبودند چنان که بعدها نیز ایشان در نامه تاریخی به آیت الله منتظری با قید قسم جلاله این مخالفت را علنی ساختند .

حضرت امام به وضوح در نامه 6 فروردین 1368 به آیت الله منتظری تصریح کرده است که با توجه به ساده لوحی و القاپذیری و نداشتن ظرفیت های لازم جهت رهبری ، از ابتدا با انتخاب وی مخالف بوده اند . بنابراین در صورت مشورت مجلس خبرگان با امام ، ایشان مخالفت خود را ابراز می کردند ، ثانیاً امام در همان مقطع زمانی در دیدار با آیت الله آقای محمدی گیلانی نیز مخالفت خود را از این انتخاب ابراز کردند .

این که چرا خبرگان با امام خمینی (ره) در این زمینه سرنوشت ساز مشورت نکردند سوالی است که جواب های عمده ای می توان برای آن مطرح ساخت به هر حال سال ها بعد و در جریان عزل آیت الله منتظری ، امام در جمع عده ای فرمودند « ... من باور نمی کردم پس از آنکه آقای منتظری صریحاً برای مجلس خبرگان عدم آمادگی خود را اعلام و از پذیرفتن مسئولیت قائم مقامی عذر خواست

خبرگان ، [باز هم] ایشان را به این مقام منصوب کند و الا من ساکت نمی نشستم و نمی گذاشتم که این برنامه اجرا شود » آیت الله محمدی گیلانی پیرامون انتخاب آیت الله منتظری توسط مجلس خبرگان و مخالفت امام خمینی (ره) در این باره می گوید : « روزی آقای هاشمی رفسنجانی در حضور جمعی گفت: من بعد از ظهر رفتم خدمت امام. امام فرمودند: موضوع قائم مقامی آقای منتظری را فردا مطرح نکن. گفتم چرا؟ ما در اجلاسیه قبل به آقایان گفته ایم که ایشان را به عنوان قائم مقام مطرح کنیم. امام فرمودند: نه! یکی از دوستان آمده و چنین گفته... گفتم: ما اعلام کرده ایم. نمی شود! »



این اتفاق تلخ ، علی رغم نظر حضرت امام و پافشاری آیت الله هاشمی که برخلاف بسیاری دیگر از مسئولین وقت از نظر صریح امام در این باره اطلاع داشت ، به وقوع می پیوندد ، اما مسئله بدین جا ختم نمی شود و اگرچه امام در نامه عزل آیت الله منتظری صراحتاً از مخالفت ۴ سال قبل خود در انتخاب ایشان به عنوان قائم مقامی رهبری پرده بر می دارد ولی دقیقاً ۲ روز پس از آن نامه تاریخی و در ۸ فروردین ماه 68 ، طی آخرین نامه مکتوب خویش به آیت الله منتظری از علت سکوت

خویش پس از تصمیم مجلس خبرگان نیز چنین سخن می گویند « هم شما و هم من ، از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودیم... ولی خبرگان به این نتیجه رسیده بودند و من نمی خواستم در محدوده قانونی آنها دخالت کنم »

پیش از آن که به بررسی علل برکناری آیت الله منتظری توسط امام بپردازیم ضروری است که به ویژگی های شخصیتی وی نیز اشاره ای کنیم

- ۱- فردی با سابقه مبارزات طولانی
- ۲- صاحب نام در فقه
- ۳- داشتن جای پا در حوزه
- ۴- شجاعت
- ۵- شهرت در نزد مردم
- ۶- لجاجت ، خود محوری ، غجب و غرور ، تاثیر پذیری و بهانه جویی

با انتخاب آیت الله منتظری به عنوان قائم مقام رهبری توسط مجلس خبرگان ، حساسیت امام خمینی (ره) بر روی نحوه رفتار ، عملکرد و همچنین اطرافیان و بیت آیت الله منتظری دو چندان شد و به ویژه آن که امام ، فردی مانند سید مهدی هاشمی را در کنار وی می دیدند و با توجه به فعالیت ها و عملکردهای سید مهدی هاشمی در گذشته و حال به شدت راجع به آینده احساس نگرانی داشتند .

حساسیت ویژه امام نسبت به سید مهدی هاشمی در این زمان دقیقاً حاکی از ریشه دار بودن آن است ، هر چند هنگامی که امام به صراحت و با تاکید خواستار تعقیب و محاکمه سید مهدی هاشمی شدند ، آیت الله منتظری تا آنجا که در توان داشت ، به مقاومت در برابر این تصمیم پرداخت.

با پایان جلسه قرائت وصیت نامه حالا همه ی مهمانان ساختمان مجلس شورای اسلامی را ترک میکردند و فقط اعضای مجلس خبرگان رهبری باقی میماند



مجلسی که قرار بود در نوبت بعد از ظهر در جلسه غیرعلنی رهبر آینده ی انقلاب را انتخاب میکردند. و در نهایت با بیش از چهارساعت بحث علمی ، اجتهادی و حقوقی ؛ مجلس خبرگان به این نتیجه رسید که آیت الله خامنه ای همان شخصی است که پس از امام خمینی بالاترین صلاحیت عملی ، علمی و سیاسی را برای هدایت امت و رهبری سیاسی کشور دارند.



جهان درباره امام خمینی^(ره) چه میگوید؟

 <p>جیمی کارتر رئیس جمهور اسبق آمریکا</p> <p>↓</p> <p>او یک قهرمان بزرگ تلقی می شود</p>	 <p>گورباچف رهبر شوروی کمونیستی</p> <p>↓</p> <p>او فراتر از زمان توانست اثر بزرگی در جهان بگذارد</p>	 <p>نلسون ماندلا رهبر مبارزه با آپارتاید</p> <p>↓</p> <p>رهبری منحصر به فرد که با دست خالی پیروز شد</p>	 <p>هنری کیسینجر استراتژیست آمریکایی</p> <p>↓</p> <p>تصمیمات رعد آسایش مجال را از سیاستمداران گرفت</p>	 <p>بن بلا نخستین رئیس جمهور الجزایر</p> <p>↓</p> <p>انقلاب او دنیای غرب را اجباراً دگرگون خواهد ساخت</p>	 <p>محمد حسنین هیگل نویسنده مشهور مصری:</p> <p>↓</p> <p>مردی بزرگ بود که از دورانی دیگر آمده بود</p>	 <p>پیوسن ریچارد روزنامه نگار واشنگتن پست</p> <p>↓</p> <p>رهبر زاهدی که شاه را برانداخت و آمریکا را تحقیر کرد</p>
---	--	--	--	---	--	--

